



آثار و پیامدهای فرهنگی - اجتماعی گسترش بدحجابی

مقدمه

بشر با وجه به اهمیتی که برای سلامت خود قائل است، به سلامت جامعه هم ارزش می‌نهد و بیماری جامعه را بیماری خود می‌داند؛ همچنانکه تلاش می‌کند برای حفظ و تأمین سلامت خود از بسیاری از امور بپرهیزد و یا از واکنش‌های پیش‌گیری و داروهای گوناگون استفاده کند، برای سلامت جامعه هم باید نهایت سعی و کوشش خود را به‌کار گیرد و جامعه را از مبتلا شدن به بیماری‌های اخلاقی و روانی بپرهیزد تا دیگر افراد جامعه به رشد، تعالی و سعادت برسند. بدحجابی از مسائلی است که سلامت فرد و جامعه را تهدید می‌کند. پوشش نامناسب پی‌آمدها و آثار جبران‌ناپذیری در فرهنگ، اخلاق، اعتقاد، اقتصاد و امنیت جامعه دارد که گاه مسیری انحرافی و بازگشت‌ناپذیری پدید می‌آورد. این نگارش آثار و پی‌آمدهای گسترش بدحجابی را از دو منظر فرهنگی و اجتماعی بررسی می‌کند. فرهنگ هر جامعه‌ای از جنبه‌های گوناگونی تشکیل یافته است. جنب‌های هنجاری فرهنگ جامعه، از ارزش‌ها و قواعد خاص رفتاری تشکیل می‌شود. هنجارها نشان می‌دهند که چه چیزی ارزش و ضد ارزش است؛ مانند شیوه‌های پوشش برگرفته از فرهنگ آن جامعه. تلقی بد از بدحجابی، باور به ارزشی بودن حجاب و پوشش و قضاوت درست درباره حجاب، در زندگی اجتماعی و فرهنگی تأثیر بسزایی می‌گذارد. قبل از هر چیز باید فرهنگ را تعریف کنیم تا آثار و پی‌آمدهای گسترش فرهنگ بدحجابی روشن شود. معروف‌ترین تعریف از فرهنگ از تایلور انسان‌شناس معروف انگلیسی است. او می‌گوید:

فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است که دانش، معتقدات، هنر، اخلاقیات، قانون، رسم و هر استعداد و عادت دیگری را که بشر به عنوان عضو جامعه کسب می‌کند، شامل می‌گردد. (1)

کلارک نیز می‌گوید:

تمامی مظاهر و شئون زندگی يك ملت را فرهنگ آن ملت تشکیل می‌دهد. (2)

بنابراین، رفتارهای اجتماعی معجونی از آنچه جامعه از علم و دانش، باورها و مسائل اخلاقی کسب می‌کند و قوانینی است که از دین و آیین افراد سرچشمه می‌گیرد. در کنار این‌ها، برخی رسوم و عادات اجتماعی، در طول زمان سهم بسیاری در شکل‌گیری فرهنگ آن جامعه دارند که هسته اصلی حیات اجتماعی را به وجود می‌آورند و در الگوهای رفتاری و هنجارهای فردی و اجتماعی بسیار تأثیرگذارند.

آثار و پی‌آمدهای فرهنگی بدحجابی عبارتند از:

الف) واردگی در برابر فرهنگ بیگانه

داد و ستد فرهنگی مفید است، بلکه برای هر جامعه‌ای لازم به نظر می‌رسد. تجربه نشان داده که تعامل یا تبادل فرهنگی از عوامل بالندگی و پویایی جوامع است. حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید:

در تبادل فرهنگی، هدف بارور کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است. ولی در تهاجم فرهنگی، هدف ریشه کن کردن و از بین بردن فرهنگ ملی است. (3)

اما در دنیای کنونی، فرهنگی که قادر نباشد عناصر فرهنگی مفید را جذب و عناصر غیر مفید را دفع کند و در الگوهای مختلف اجتماعی از ثبات لازم برخوردار نباشد، فرهنگ مهاجم با الگودهی آن را تخریب می‌کند؛ ارزش‌ها و هنجارهای آن را نادیده می‌انگارد و با غلبه و تهاجم، ارزش‌ها و الگوهای مورد نظر خویش را جای‌گزین می‌کند تا در این ره‌گذر به اهداف خود دست یابد. بنابراین، فرآیند بدحجابی، مقدمه تهاجم گسترده‌تر به فرهنگ مقابل و شکستن هنجارها و جای‌گزین ساختن هنجار مورد نظر فرهنگ مهاجم است. چنین جامعه‌ای به نظر اسپنسر، جامعه‌شناس معروف، قدرت دفاعی خود را از دست می‌دهد و در مقابل بیماری‌ها، قدرت مقابله و دفاع ندارد و با ورود کوچک‌ترین عامل مخرب، از بین می‌رود. احساس بیگانگی در برابر فرهنگ خودی و بی‌هویتی اجتماعی، زمینه‌ساز پذیرش تهاجم فرهنگی است. بنابراین، جامعه‌ای که دچار تهاجم فرهنگی گردد و تغییرات اجتماعی در آن سریع صورت گیرد، ارزش در آن جامعه ناپایدار است و هنجارشکنی در آن مرسوم می‌شود و در برابر فرهنگ بیگانه همیشه از خود واردگی نشان می‌دهد و در نتیجه، بحران‌زا می‌گردد. سوغاتی که بدحجابی به همراه دارد، تنها پوشش نامناسب نیست؛ بلکه ترویج لباس‌های نامناسب، بزرگ کردن‌ها و... را به دنبال دارد. در نتیجه، افراد متحمل بسیاری از الگوهای دیگر از فرهنگ بیگانه می‌شوند.

ب) سلطه بیگانگان و تأمین منافع آنان

هر جامعه‌ای در پی آن است که به ارزش‌های خود پابند و جامعه خود را از فرهنگ‌های بیگانه مصون نگه دارد تا افراد از سلامت و ثبات لازم برخوردار باشند. چنین جامعه‌ای سریع‌تر می‌تواند به اهداف خود برسد و آرمان‌های خود را عملی سازد. بنابراین، استعمارگران در جایی که ببینند جامعه‌ای مطابق با منافع، اهداف و خواسته‌های آنها پیش نمی‌رود. برای رسیدن به منافع خود و چپاول آن، غیرمستقیم طرح‌هایی می‌ریزند تا افراد را مشغول و سرگرم کنند و به اهداف شوم خود برسند. مانند ترویج بدحجابی و بی‌حجابی است. در طرح استعماری انگلستان به مأموران خود چنین آمده است:

باید به استناد شواهد و دلایل تاریخی، ثابت کنیم که پوشیدگی زن از دوران بنی‌عباس متداول شده و مطلقاً سنت نیست. مردان همسران پیامبر را بدون حجاب می‌دیدند و زنان صدر اسلام در تمام شئون زندگی، دوش به دوش مردان فعالیت داشته‌اند. پس از آن‌که حجاب زن با تبلیغات وسیعی از میان رفت، وظیفه مأموران ما آن است که جوانان را به عشق‌بازی و روابط جنسی نامشروع با زنان غیرمسلمان کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آنان تقلید کنند. (4)

رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید:

این چیزهایی که شما می‌شنوید درباره مبارزه با دختران محجبه در فرانسه، اینها جرقه‌هایی است؛ آتش‌های زیر خاکستر است و از يك کار عظیم پشت پرده خبر می‌دهد. (5)

به راستی، دشمنان انقلاب اسلامی در تهاجم به ارزش‌های مقدس ما می‌خواهند تقدس‌زدایی کنند. آن‌گاه به اهداف شوم خود برسند.

«ارزش‌های جامعه، آن دسته از عوامل و عناصری هستند که اکثریت يك جامعه به اعتبار و اهمیت آنان ایمان دارند و بدان‌ها ارج می‌گذارند» (6).

در جامعه‌ای که حجاب، مناعت، عفت و حیا ارزش تلقی می‌شود، زن پایه‌های این ارزش را از رفتار و کردار خود، به بینش و باور خویش سرایت می‌دهد و از طرفی نتهیا زنان دیگر بلکه مردان را نیز به ارزش‌های جامعه متوجه می‌سازد و جامعه را به سلامت و ارزش‌های واقعی سوق می‌دهد. اما اگر زن، روش‌ها و منش‌های خود را تغییر دهد و به خودنمایی و آرایش‌های ظاهری بپردازد، ارزش‌هایی چون حجاب و حیا و وقار را خدشه‌دار می‌کند و خود و اجتماع را به تباهی و فساد و بالاخره به صدمه‌های جدی می‌کشاند.

زمانی این سؤال مطرح بود که بر اساس روایات، در آخرالزمان زنان پوشیده ولی برهنه‌اند. این پارادوکس را چگونه می‌شود حل کرد. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: *يَطْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ هُوَ سَرَّ اللَّزْمَةِ نِسْوَةَ كَاشِفَاتٍ عَارِبَاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ خَارِجَاتٍ فِي الْفِتَنِ دَاخِلَاتٍ مَائِلَاتٍ إِلَى الشَّهَوَاتِ وَ مُسْرَعَاتٍ وَ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَجِلَاتٍ الْمُخَرَّمَاتِ وَ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٍ*؛

در آخرالزمان که بدترین زمان‌هاست، زنانی هستند که پوشیده اما برهنه‌اند و از خانه با خودآرایی بیرون می‌آیند. اینان از دین بیرون رفته‌اند و در فتنه‌ها وارد شده و به شهوات تمایل پیدا کرده‌اند و به کوی لذت نفسانی در شتابند و حرام‌ها را حلال می‌دانند و در دوزخ به عذاب ابدی گرفتارند. (7)

بنابراین، امروزه پاسخ این سؤال پاسخ روشن شده است که بعضی زنان پوشش دارند ولی بدحجاب یا بی‌حجابند، پوشش دارند ولی عریان و برهنه‌اند. چنین مسائلی آدمی را از ارزش‌ها دور می‌سازد و در فتنه‌ها وارد می‌نماید و از همه بالاتر گاهی از دین خارج می‌کند.

د) افت تحصیلی و آموزشی

فرهنگ هر جامعه‌ای، به آموزش‌های آن بستگی دارد. هر قدر آموزش‌ها از غنای بیشتری برخوردار باشد، فرهنگ آن جامعه بالاتر خواهد بود. نخبگان و فرهیختگان، در پرتو تحصیلات شناخته می‌شوند. جامعه‌ای که دانش‌مندان آن بیشتر باشد، معمولاً از تمدن بالاتری برخوردار است و پویایی در تمامی زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی کاملاً مشاهده می‌شود. خلاصه، پیشرفت هر جامعه‌ای در گرو آموزش آن است.

دختران و پسران اگر در کنار تحصیل، دل مشغولی‌های دیگری داشته باشند، از تحصیل باز می‌مانند و وقت زیادی از فرصت‌های مطالعاتی و تحصیلی آنان به هدر می‌رود. بسیاری از مشاوران از صحبت‌های دختران و پسران جوان درباره مدهای روز و آرایش‌های جدید گلهمند هستند. نمی‌خواهیم بگوییم دختران و پسران باید در دانشگاه‌ها کاملاً از هم جدا باشند و دیواری بین آنها کشیده شود. اگر اینها فضای آموزشی را رعایت کنند و محیط را محیط درس بدانند و از آنچه برانزده فضای آموزشی نیست پرهیز کنند، بسیار تحسین برانگیز خواهد بود. به گفته مریبان تربیتی، در مدارسی که دختر و پسر با هم درس می‌خوانند، کم‌کاری، عقب‌افتادگی و بی‌مسئولیتی به خوبی مشاهده شده است. (8) زیرا دختران در چنین محیطی، با بدحجابی توجه دیگران را به خود جلب می‌کنند و تمرکز ذهنی و روحی را از آنان می‌گیرند و باعث افت تحصیلی آنان می‌شوند و خود نیز دیگر حوصله درس خواندن ندارند و تمام حواسشان به لباس و نوع پوشش است. روح مطالعه و تحقیق در آنها خاموش می‌شود و افت تحصیلی پیدا می‌کنند.

ه) تضعیف اعتقادات دینی در جامعه

جامعه‌ای که در سطح بالایی از باورهای دینی باشد، در سایه ایمان، در برابر بسیاری از آسیب‌ها مصون می‌ماند و دشمنان نمی‌توانند در صفوف آن رخنه کنند و نقشه‌های آنان نقش بر آب می‌شود. این جامعه که دل به خدا سپرده و سرانجام زندگی را رسیدن به خالق خود می‌داند، دل به دیگری نمی‌سپارد و عقاید خود را متزلزل نمی‌کند. در این جامعه، حجاب و پوشش جزء احکام مسلم دین و مذهب به شمار می‌رود و زنان حاضر نمی‌شوند خود را به زینت‌های زودگذر و دنیایی مزین کنند و در پرتو آن عقاید دیگران را متزلزل نمایند و خود نیز زمینه‌ساز فساد در جامعه شوند.

تظاهر به بدحجابی نشانه پایبند نبودن و بی‌میلانی فرد به احکام و اعتقادات اسلامی است؛ زیرا زنان با بدحجابی، چشم‌های هوس‌آلود را متوجه خود می‌سازند و پایه‌های ایمانی مردم را سست می‌کنند و جامعه را به فساد می‌کشاند. «هیچ راهی برای امریکا و ابرقدرت‌ها بهتر از این نیست که بدون جنگ و کشتار و بدون این‌که پولی خرج کنند و حساسیتی ایجاد نمایند، ایمان را از دل‌های مردم بزدند و بزایند. این کار به سادگی انجام می‌شود؛ با فیلم‌ها، نمایش‌نامه‌ها و چیزهایی از این قبیل به نام پیشرفت علم و... هیچ راهی بهتر و موفق‌تر از این وجود ندارد.» (9) و می‌دانیم که باورها و ایمان‌های راسخ نقش بسزایی در بالندگی زندگی جامعه ایفا می‌کنند و زمانی که ایمان به سستی گراید، نفوذ دشمن و به انحراف کشیدن آن جامعه به راحتی صورت می‌پذیرد.

بدحجابی پی‌آمدهای اجتماعی نیز به دنبال دارد، از جمله:

الف) ایجاد ناامنی و سلب آرامش

آرامش و امنیت والاترین نعمتی است که خداوند به جامعه عنایت می‌فرماید و می‌توان گفت، اگر جامعه‌ای فاقد آن باشد به يك معنا، هیچ چیز ندارد و با وجود امنیت، همه چیز دارد. سلامت جسمی و روحی - روانی جامعه در سایه امنیت حفظ می‌شود و خلاقیت و نوآوری بروز می‌کند. زنان بدحجاب نمی‌دانند که چه ضربه‌های و جبران‌ناپذیر خانمان براندازی بر پیکره جامعه وارد می‌سازند.

در جامعه‌ای که بدحجابی رواج پیدا کند، چشم و هم‌چشمی‌ها و ارائه هر چه بهتر زینت‌آرایی، تمامی نخواهد داشت و زنان سعی می‌کنند تا چشمان بیشتری را متوجه خود سازند و در معرض دید همگان قرار گیرند و این امر تمامی نخواهد داشت تا جایی که تمام افراد جامعه را آلوده سازد. در نتیجه، ناامنی نه تنها دامان خود بدحجاب را می‌گیرد بلکه خیلی سریع به اجتماع سرایت می‌کند و جامعه را از فعالیت‌های سالم باز می‌دارد.

بسیاری از کجروی‌های گوناگون اجتماعی مانند مدرگرایی، شورش‌ها و درگیری‌های خیابانی، ناهم‌نوایی اجتماعی و آزارهای جنسی، از بدحجابی و بی‌هویتی اجتماعی سرچشمه می‌گیرند.

زنان بدحجاب که به نمودهای ظاهری و تجمل و تنوع می‌پردازند و هر روز به سراغ اسباب آرایش و زیورآلات جالب‌تر و کفش و لباس شیک‌تر می‌روند، از سرمایه‌های معنوی محرومند و جمال معنوی برای آنان نامفهوم است. اینان کمبود خویش را بدین‌گونه جبران می‌کنند و عطش شخصیت‌یابی را از این طریق فرومی‌نشانند.

«آری، بدحجابی، ارزش‌های راستین دختران را تحت‌الشعاع ظواهر جنسی‌شان قرار می‌دهد و آنان را فدای هرزگی‌ها و هوس‌رانی‌های شیادان می‌سازد. بدحجابی ارزش زن را از بین می‌برد و او را تا حد يك کالا پست می‌کند. زنی که تن و اندام خود را در معرض دید همگان می‌گذارد و آنچه را که به جنسیت او مربوط می‌شود، به کوچه و بازار می‌کشد، در حقیقت می‌خواهد با تکیه بر زنانگی خویش، جای خود را در جامعه باز کند نه با تکیه بر انسانیت خویش. در واقع او بدین ترتیب اعلام می‌کند که آنچه برای او اصل است، زن بودن اوست، نه انسان بودن و نه اندیشه و لیاقت و کارآیی او. چنین زنی قبل از هر چیز اسیر خود است. او به مغازه‌داری شبیه است که دائماً در فکر تزیین و تغییر دکوراسیون وینترین مغازه است.» (10)

بدحجابی علاوه بر این که خود يك ناهنجار اجتماعی به شمار می آید و جامعه را به بی بند و باری می کشد، زمینه ساز بسیاری از زشتی های اخلاقی است. وقتی به پوشش و متانت بی اعتنایی می شود، مسائل اخلاقی دیگر هم از جامعه رخت بر می بندد. بدلباسی، بداخلاقی به دنبال دارد، چنان که مدیرستی، هواپرستی می آورد. جامعه ای که هر روز مد جدیدی را به شکل های گوناگون بپذیرد، دچار بسیاری از بیماری های اخلاقی چون غرور، تکبر، عصیان، قساوت قلب و فخرفروشی خواهد شد. هرگاه جامعه ای به انجام دادن گناه جسارت پیدا کرد و مفاسد و معاصی رواج پیدا کرد، زشتی گناه از بین می رود و این خود گناه بزرگتری است. یعنی جامعه ای که گناه را گناه نداند، به سبب رواج زیاد و همگانی شدن آن، سقوط خواهد کرد. بنابراین، بدحجابی فحیح و زشتی گناه را از بین می برد و باعث رواج گناهان دیگر می شود. امام صادق (ع) می فرماید:

وَ أَمَّا اللَّيَاسُ يَحْمِلُكَ عَلَى الْعُجْبِ وَ الرِّيَاءِ وَ التَّزْيِينِ وَ التَّفَاخُرِ وَ الْحَيْلَاءِ فَأَتَهَا مِنْ آفَاتِ الدِّينِ وَ مُورَثَةُ الْقَسْوَةِ فِي الْقَلْبِ؛ لباسی نباشد که تو را به گناه خودپسندی، ریا، آراسته نشان دادن، مباحثات به دیگران، فخرفروشی و تکبر، آلوده کند که تمام اینها از آفات دین و موجب سختی دل است. (11)

بدحجابی موجب سوء ظن نیز می گردد. پوشش، نشانه ترس از خدا و آتش جهنم است و زن باحجاب، خود را به احکام الهی پای بند می داند. از آن طرف زنان بدحجاب به راحتی احکام الهی را زیر پا می گذارند و بی مبالاتی خود را به موازین اسلامی اعلام می دارند. چنین زنانی در معرض گناه هستند و افراد جامعه به آنها گمان بد می برند و زمینه این گناه را تنها زنان بدحجاب به وجود می آورند. پس زنان پاکدامن و با عفاف، باید کاری کنند که در معرض تهمت قرار نگیرند.

ج) کم رنگ شدن حضور مثبت زنان در جامعه

زن در بسیاری از جوامع در فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... شرکت می کند و سهم بسزایی در این زمینه ها دارد. بنابراین، حضور زنان در جامعه امری انکارکردنی نیست و روز به روز به این فعالیتها اضافه می شود و زنان دوش به دوش مردان در تمامی زمینه ها به فعالیت می پردازند. حال آیا پوشش می تواند بر حضور زن در جامعه تأثیر داشته باشد یا خیر؟ پاسخ بسیار روشن است؛ زیرا اسلام همان گونه که به اختلاط مرد و زن نامحرم هشدار داده و آنان را از پی آمدهای بد و زشت آن باز داشته است، به پوشش و حجاب او توجه خاصی داشته تا حضور او را در جامعه حفظ و سلامت نفسانی جامعه را تضمین کند.

زنان بدحجاب در محل کار، به دلیل خودآرایی و خودنمایی، تمرکز فکری لازم را از دست می دهند؛ در حالی که لازمه کار و تلاش جدی در محل کار، حضور قلب و تمرکز حواس است. زن با بدحجابی و آرایش، نه تنها به کار جدی نمی پردازد، بلکه نیروی کارآمد دیگران را نیز دچار سستی و رکود می سازد. در نتیجه، که چرخه فعالیت کاری جامعه را به کندگی رهنمون می سازد.

از طرفی خانواده هایی که غیرت دینی بالایی دارند، از حضور دختران و زنان خود در چنین جامعه ای نگران هستند و نخواهند گذاشت حضور پررنگ آنها در فعالیتهای اجتماعی جلوگیری می کنند. در نتیجه، جامعه ضرر خواهد کرد و بخش بزرگی از نیروهای کاری را از دست خواهد داد.

د) برهم زدن تنظیم روابط جنسی و عاطفی

پوشش و حجاب، نه تنها باعث سلامت اخلاقی جامعه و پای بندی به هنجارهای دینی می شود، بلکه زمینه بروز و شکل گیری بزه کاری های جنسی را به حداقل می رساند و اعضای جامعه را نیز به سوی تشکیل خانواده، تنظیم روابط جنسی و عاطفی و قاعده مند کردن آن سوق می دهد.

حجاب باعث می شود فاصله های اجتماعی محفوظ بماند و رعایت شود، یعنی هر کسی نمی تواند با دیگران هر نوع تعاملی را برقرار سازد. لذا پوشش، تعاملها را الگودار و معنادار می سازد. این ویژگی مانع نزدیک شدن غریبه ها و در نهایت ارتباط جنسی می شود. رعایت حجاب و پوشش مناسب، افراد را از بزرگترین نعمت یعنی آزادی برخوردار خواهد ساخت؛ زیرا زنان اجازه نخواهند داد کسی بدون اجازه، به حریم شخصی و خصوصی شان نزدیک شوید و در این زمینه تصمیم بگیریم. بنابراین اگر افراد پاک و پاکدامن و جامعه سالم می خواهیم، باید زنان ما پوشش را کاملاً رعایت کنند؛ چنان که امیر مؤمنان در نهج البلاغه به فرزندش امام حسن (ع) می فرماید:

وَ اكْفُ عَيْنَهُنَّ مِنْ ابْصَارِهِنَّ يَجْعَلُكِ اِيَّاهُنَّ قَابَ شَيْدَةِ الْحِجَابِ اَبْقَى عَيْنُهُنَّ؛

از راه حجاب و پوشش بانوان آنها را ببوشان؛ زیرا رعایت حجاب به طور جدی و محکم، زنان را به طور سالم تر و پاک تر حفظ خواهد کرد. (12)

ه) افزایش آزار جنسی

زنان و دختران با پوشش نامناسب در فعالیتهای اجتماعی، به جوانان و مردان بزهکار اجازه خواهند داد تا به حریم آنان تجاوز کنند و مورد اذیت و آزار خود قرار دهند. نقطه شروع بسیاری از ناهنجاریها، مزاحمتها و بی احترامی هایایی است که افراد جامعه برای يك دیگر به وجود می آورند و بدحجابی عامل بسیار مهمی در ایجاد این مزاحمتها به شمار می آید، دختران بزرگ کرده با پوشش های زننده و گاه بسیار تهییج کننده، در جامعه خود را ارائه می نمایند تا شاید نگاه های آلوده بیشتری را به خود جلب کنند و از این طریق، حس خودآرایی و خودنمایی را به نحوی ارضا کنند، ولی این سراب بیست و عاقبت پشیمان خواهند شد که دیگر راه بازگشت نخواهند داشت. خداوند در قرآن کریم به پیامبرش (ص) می فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَاجِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ عَاقِبَةً رَحِيمًا»؛ (13)

ای پیامبر، به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو پوشش های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیک تر است و خدا آمرزنده مهربان است.

در شأن نزول این آیه آمده، هنگامی که شبها زنان برای نماز به مسجد می رفتند، بعضی از جوانان هرزه بر سر راه آنها می نشستند و آنان را با مزاح و سخنان ناروا آزار می دادند و مزاحم آنها می شدند. این آیه به زنان دستور داد حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند تا از کنیزان، آلودگان و یهودیان شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند. (14)

پس جامعه ای که بخواهد ثبات امنیتی بیشتری داشته و از ناهنجاریها به دور باشد، باید خود را از عواملی که باعث ناهنجاری و بزه می شود، دور نگه دارد و حجاب بهترین وسیله ای است که زنان و دختران را از آزار جنسی محافظت می کند.

و) جلب نگاه های چشم چران و هوسباز

خداوند به پیامبر اعظم (ص) می فرماید:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ ابْصَارِهِمْ»؛ (15)

به مؤمنان بگو چشم های خود را از نگاه نامحرم فرو گیرند.

شهوت از غریزی به شمار می آید که خداوند در آدمی قرار داده است. شهوتی که باعث بقای نسل و ساماندهی زندگی و حیات می شود، آرامش و آسایش را برای جامعه به ارمغان می آورد و آثار بسیار مطلوبی در جامعه خواهد داشت. اما اگر از مسیر اصلی خود منحرف شود و در سمت و سوی دیگر قرار گیرد، آثار بسیار بدی برای

فرد و جامعه دارد. بدحجابی از مسائلی است که گزینه شهوت را از سیر خود منحرف می‌سازد. زنان بدحجاب، نگاه‌های آلوده مردان هوس‌باز را به خود جلب می‌کنند و آتش شهوت را در دل آنان شعله‌ور می‌سازند. به ویژه در جامعه‌ای که بیشتر افراد آن جوان هستند، نگاه‌های شیطانی به سوی دختران بزرگ کرده و بدحجاب جامعه را به فساد و تباهی رهنمون می‌سازند.

آری، در جامعه‌ای که چشم‌چرانی بر اثر بدحجابی رواج پیدا کند، بسیاری از گناهان در آن جامعه رواج پیدا می‌کند و سرانجام، جوانان چشم‌چران بر اثر این گناه خانمان‌سوز، زندگی بسیاری از دختران معصوم و ساده‌لوح را بر باد می‌دهند و آبروی خانواده‌ها را به ارزانی می‌فروشند و زندگی‌ها را سست می‌کنند و سرمایه عفت و پاک‌دامنی را از بین می‌برند. امام صادق (ع) می‌فرماید:

التَّطَرُّ سَهْمٌ مِّنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ وَ كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً: (16)

نگاه، تیری از تیرهای زهرآگین شیطان است. چه بسا يك نگاه حسرت طولانی در پی دارد!

ن اختلالات روحی و روانی

اختلال روحی و روانی از آثار ناگوار بدحجابی در جامعه است. برخی از دختران و زنان، بر اساس نیاز ذاتی خود برای جلب رضایت محیط و توجه بیشتر بینندگان، به خودآرایی و جلوه‌گری و ارائه پوشش غیرمتعارف می‌پردازند و افکار خود را در بعد تمایلات و تخیلات موهوم، تقویت می‌کنند. بنابراین، پوشش و حجاب ناقص فشارهای فراوانی را بر روح و روان افراد وارد می‌سازد. چنین افرادی همیشه در پی آنند که خود را به گونه‌ای ارائه دهند که افکار و نگاه‌های آلوده و هوس‌انگیز را به خود جلب کنند و شخصیت خود را با خواسته‌های دیگران همگون سازند. این خواسته‌ها محدود نیست و وقتی دختران نتوانند خود را مطابق خواسته‌ها ارائه دهند، افراد جامعه ثبات روحی و روانی خود را از دست می‌دهند و امیدها و آرزوها به ناامیدی می‌گراید. شهید مطهری؛ می‌فرماید:

روح بشر فوق العاده تحریک‌پذیر است. اشتباه است که گمان می‌کنیم تحریک‌پذیری روح بشر، محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می‌گیرد. همان طور که بشر در ناحیه ثروت و مقام، از تصاحب ثروت و از تملک جاه و مقام سیر نمی‌شود و اشباع نمی‌گردد، در امور جنسی نیز چنین است. هیچ مردی از تصاحب زیبارویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی از هوس سیر نمی‌شود. از طرفی تقاضای نامحدود خواه ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه مقرون است با نوعی احساس محرومیت و دست نیافتن به آرزوها که به نوبه خود منجر به اختلالات روحی و بیماری‌های روانی می‌گردد. چرا در دنیای غرب این همه بیماری‌های روانی زیاد شده است؟ علتش آزادی اخلاقی جنسی و تحریکات فراوان سکسی است که به وسیله جراید و مجلات و سینماها و تئاترها و محافل و مجالس رسمی و غیر رسمی انجام می‌شود. (17)

اگر بتوان از لحاظ پوشش، الگوی مناسبی به جامعه ارائه داد، سلطه‌های آگاهانه به افراد جامعه پیدا خواهیم کرد و جامعه را از بی‌ارادگی و بی‌اختیاری نجات خواهیم داد. اما با بدحجابی، به افراد جامعه اجازه داده‌ایم که هرگونه می‌خواهند، برای پوشش خود تصمیم بگیرند و مدل‌های متنوع را جای‌گزین کنند و دل‌ها را به سمت و سوی انحرافات اجتماعی سوق دهند که در این صورت، اداره و اختیار از افراد جامعه گرفته می‌شود و جامعه‌ای که از خود اراده‌ای نداشته باشد، اختلالات روحی و بیماری‌های روانی به سراغ آن خواهد آمد و به منجلاّب کشیده خواهد شد. «بدحجابی زن در جامعه، سبب نقش بازی کردن او در اسلوب‌ها و مدل‌های گوناگون می‌شود. این اعمال او را به صورت موجودی بی‌اختیار و بی‌اراده، به هر طرف می‌کشد و دیگر بر زندگی‌اش تسلط آگاهانه نخواهد داشت. در زندگی و اعمال خود، نظر دیگران را ترجیح می‌دهد که برای جلوگیری از این امور منفی، حجاب بهترین درمان می‌باشد». (18)

ح تزلزل نهاد خانواده

تشکیل نهاد خانواده، مقدس‌ترین پیوند زناشویی است. برای ثبات این نهاد، عفت و حجاب خانوادگی مهم‌ترین عامل به شمار می‌آید. اگر زن لذت‌های جنسی خود را از محیط خانواده بیرون نبرد و دستوره‌های اسلام را اطاعت کند، محیط خانه سالم و آرام‌بخش خواهد بود. ولی اگر عفت را رعایت نکند و لذت‌های جنسی و خودنمایی‌ها را به بیرون منزل بکشانند، مورد نگاه‌های هوس‌آلود نامحرم‌ان قرار خواهد گرفت و ناخواسته عامل پاشیدگی و تیرگی روابط افراد خانواده خواهد شد.

وقتی اختلافات زن و شوهر در محکمه‌های قضایی، را ریشه‌یابی می‌کنیم، پی می‌بریم که بسیاری از ناسازگاری‌ها به دلیل رعایت نکردن حجاب است. وقتی زن با آرایش و بدحجابی در جامعه ظاهر می‌شود، چشم‌ها، به سوی او نشانه می‌روند و او هم دل‌باخته و فریفته چشم‌چرانان می‌شود و کم‌کم از نگاه‌های شوهرش لذت نمی‌برد و از او سرد می‌شود و سرانجام باعث جدایی می‌گردد. گاهی همین امر از طرف شوهر صورت می‌گیرد. بر اثر چشم‌چرانی و نگاه‌های هوس‌آلود به دختران و زنان بدحجاب، از همسرش دل‌سرد می‌گردد و لذت‌ها و محبت‌هایش در بیرون از خانه صرف می‌شود. در نتیجه، بنای ناسازگاری با همسرش شروع می‌شود و تیرگی بر کانون خانواده سایه می‌افکند.

بنابراین، برای حفظ نظام خانواده و به وجود آوردن محیطی سالم و فرزندان پاک رعایت حجاب ضروری است و باید بالاترین امنیت، یعنی امنیت ناموسی، در خانه حاکم شود. از طرفی بدیهی است، اگر خانواده سالم باشد و پوشش را رعایت کند، جامعه که از اجتماع خانواده‌ها تشکیل شده، سالم و پایدار خواهد ماند. در جامعه‌ای که بیشتر اعضای آن را جوانان تشکیل می‌دهند باید در برابر این فرآیند حساس‌تر باشند؛ زیرا جوانان در برابر مناظر شهوت‌انگیز و تهییج‌کننده، زودتر تحریک می‌شوند و چنین مناظری عامل مهمی در سوق دادن آنان به فساد خواهد شد. در نتیجه، نیروی فعال اجتماع به راه‌های فساد و تباهی کشانده می‌شوند و به جامعه ضربه جبران‌ناپذیری از جهات اقتصادی مادی، اجتماعی و اخلاقی وارد خواهد شد.

«آمارهای قطعی و مستند نشان می‌دهد که با افزایش بی‌حجابی و بدحجابی در جهان، طلاق و از هم‌گسیختگی زندگی زناشویی در دنیا به طور مدام بالا رفته است؛ چرا که «هر آن‌چه دیده بیند دل کند یاد» و هر چه دل در این‌جا یعنی هوس‌های سرکش، بخواهد، به هر قیمتی باشد به دنبال آن می‌رود و به این ترتیب هر روز دل به دلبری می‌بندد و با دیگری وداع می‌گوید». (19)

به امید روزی که بتوان جامعه را به زیور عفاف و حجاب مزین کرد و از بدحجابی رهانید.

پینوشت‌ها:

- 1) پرویز صانعی، جامعه‌شناس ارزش‌ها، ص 501 - 502، کتاب‌خانه گنج دانش، تهران، 1372.
- 2) همان.
- 3) فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص 20، سازمان مدارك فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، 1373.
- 4) قرّة العین، «درآمدی بر تاریخ بی‌حجابی در ایران»، تهران، نشر نور، 1363، ص 40.
- 5) فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص 9.
- 6) جامعه‌شناسی ارزش‌ها، ص 101.

- (7) محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 14، ص 19، مکتبه الاسلامیه، تهران، 1372.
- (8) ستار هدایتخواه، زیور عفاف، ص 3، اداره کل آموزش و پرورش خراسان، مشهد، 1374.
- (9) محمدتقی مصباح یزدی، تهاجم فرهنگی، ص 95 - 96، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، قم، 1379.
- (10) غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی، سروش، 1379، ص 59.
- (11) عبدالرزاق گیلانی، مصباح الشریعه، پیام حق، ص 69، تهران، 1377.
- (12) نهج البلاغه، نامه 31.
- (13) احزاب، 59.
- (14) ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 17، ص 425.
- (15) نور، .
- (16) کافی، ج 5، ص 559، ج 12.
- (17) مسأله حجاب، صص 87 - 88، صدرا، تهران، 1379.
- (18) حسین حبیب‌اللهی، حجاب در بی‌حجابی، قم، انتشارات داوری، 1373، ص 24.
- (19) تفسیر نمونه، ج 14، ص 444.
- محمدحسین درافشان
سایت سراج